تاریخ خانه ی دامغان

امین، سید حسن

1-مدخل

بنای«تاری‏خانه‏ی دامغان»که پیشینه‏ی آن به پیش از اسلام‏ می‏رسد،یکی از بهترین نمونه‏های تبدیل بناهای آباد کهن برای‏ بهره‏برداری‏های نوین در ایران بلکه سرتاسر جهان اسلام است.این بنا که‏ پیش‏تر یک کاخ سلطنتی اشکانی یا ساسانی بوده است،در قرن دوم‏ هجری به نیایشگاهی اسلامی تبدیل شد و از آن روزگار باز تاکنون برجای‏ خود در شهر دامغان که به قولی پایتخت اشکانیان بود،برپای ایستاده‏ است.

2-وجه تسمیه

وجه تسمیه‏ی این بنا به«تاری‏خانه»از جمله‏ی نکته‏های مبهم تاریخ‏ و فرهنگ ایران است.ما در این‏جا براساس تتبع خویش،دو وجه را احتمال‏ می‏دهیم:

2-1-نخستین توجیه قابل قبول،این است که واژه‏ی«تاری»،در زبان‏های ترکی،ترکمنی،جغتایی و مغولی به‏معنی«خدا»ست.لذا تاری‏خانه به‏معنی«خداخانه»یا خانه‏ی خدا(معبد)است.مهم‏ترین دلیل‏ زبان‏شناسی بر صحت این استدلال،این است که واژه‏ی تاری(به‏معنی‏ خدا)در ترکیب ترکی«تاری وردی»(به‏معنی اللّه داد/اللّه وردی،خدا داد) در نام‏های مسلمانان ترکی‏زبان از روزگاران کهن تا همین اواخر محفوظ مانده است.چنان‏که نام پدربزرگ حیدر خان عمواوغلی،از ارکان مجاهدین‏ چپ عصر مشروطه و مسوول ترور اتابک(صدراعظم مستبد محمد علی شاه)،«حاج ملاعلی تاری وردی»بوده و به‏همین دلیل، حیدر خان عمواوغلی،«تاری وردی‏اف»برای خود نام‏خانوادگی گرفته‏ است.1باز در نسل بعدی،شاهزاده عبد الحسین میرزا فرمانفرما که از همسران متعدد،فرزندان زیادی داشته،یکی از پسران خود را «تاری وردی»،دیگری را«اللّه وردی»و دیگری را«خداداد»نام نهاده بود که هر سه به یک‏معنی ولی به‏ترتیب به سه‏زبان مختلف ترکی،عربی و فارسی‏ست و این«تاری وردی فرمانفرمائیان»در اواسط دوره‏ی سلطنت‏ پهلوی دوم در شکارگاهی درحوالی بسطام(شاهرود)ظاهرا به‏دست‏ ماموران حفاظت محیطزیست به ضرب گلوله کشته‏شد.2

گفتنی‏ست که واژه‏ی«تاری»به‏معنی«خدا»در ادبیات منظوم و منثور فارسی و ترکی نیز سابقه دارد.چندان‏که در همین اواخر،شاعر معاصر مهدی اخوان ثالث(امید)در قصیده‏یی واژه‏ی«تاری»را در ردیف یهوه‏ (خدای یهود)،اللّه(خدای مسلمانان)و اهورامزدا(خدای زرتشتیان)آورده‏ و گفته‏است:

«یهوه»و«تاری»و«اللّه»و«اهورامزدا» ای خداخوانده«خدا»زین همه مقصود تویی‏3

پس اولا،با توجه به این‏که واژه‏ی«تاری»خدای قدیم اقوام ترک و ترکمن است و ثانیا با عنایت به این‏که بازسازی مسجد تاری‏خانه‏ی دامغان‏ در عصر غزنویان و سلجوقیان صورت گرفته‏است،نامبردار شدن این‏ مسجد به زبان ترکی به«تاری‏خانه»(خانه‏ی خدا)کاملا موجّه است.ثالثا، این‏که بعضی ایراد کرده‏اند که دلیلی بر رواج زبان ترکی در منطقه‏ی قومس‏ و دامغان وجود ندارد،درست نیست.زیرا نه‏تنها واژه‏ی ترکی«تاری»در نام این مسجد انعکاس دارد،بلکه هم‏چنین در 42 کیلومتری دامغان، محلی باصفا به‏نام«الی بلاغ»(پنجاه چشمه)وجود دارد که ترکیبی‏ ترکی‏ست.4رابعا،هم‏چنان که واژه‏ی«تاری‏خانه»(به‏معنی‏ «خدای‏خانه»)در مسجد عتیق شیراز از بناهای عمرولیث صفاری که‏ بعدها به‏وسیله‏ی شاه ابو اسحق اینجو بنیان نهاده شده و سرانجام به‏دست‏ شاه عباس صفوی تجدید بنا شده است،دیده می‏شود.

2-2-دومین توجیه قابل قبول در باب وجه تسمیه‏ی«تاری‏خانه»این‏ است که مسجد تاری‏خانه‏ی دامغان،مانند مسجد جامع فهرج واقع در مهریز(یزد)،ازنظر معماری شباهت بسیاری با قصرها و بارگاه‏های ایرانی‏ عصر ساسانی دارد و از این رهگذر،شاید بتوان گفت که به احتمال قوی، ساختمان مسجد«تاری‏خانه»،در دوره‏ی قبل از اسلام،واژه‏های خدا، خداوند،خداوندگار،به شاه اطلاق می‏شده است و قرینه‏ی صحت این‏ استعمال نیز این است که«شاهنامه»های پس از اسلام همان‏ «خدای نارمک»های عصر ساسانی‏ست،چنان‏که به‏جای خود،محقق و ثابت است که مهم‏ترین منبع شاهنامه‏ی فردوسی همان‏ «خدای نارمک‏ها»ی اواخر ساسانی و اوایل عصر اسلامی بوده‏اند.به‏علاوه، در ماوراء النهر نیز به شاه،خدا می‏گفته‏اند،چنان‏که در بخارا اجداد سامانیان‏ «سامان خدات»نامیده می‏شده‏اند و لذا،هم‏چنان که«خدا»در «خدای نارمک»به‏معنی شاه‏نامه است،شاید«تاری»(خدا)هم در «تاری‏خانه»به‏معنی خانه‏ی شاه/قصر سلطنتی بوده باشد،به‏این معنی که‏ قصر شاهانه‏ی قدیمی به مسجد تبدیل شده باشد و با این همه مسجد جدید هم‏چنان به‏نام قصر قدیم نامبردار باشد.

3-ارزش تاریخی

ارزش تاریخی مسجد تاری‏خانه‏ی دامغان،جای انکار ندارد و به‏همین‏ دلیل این ساختمان به‏شماره‏ی 80 در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت‏ رسیده است.5اهمیت تاریخی مسجد تاری‏خانه از چند جهت است:

3-1-این مسجد از کهن‏ترین مساجد ایرانی‏ست که سبک معماری‏ آن از یک‏سو با مساجد ایرانی اوایل عصر اسلامی(مانند مسجد جامع‏ فهرج،مسجد شوش،سیراف و نائین)قابل مقایسه است و ازسوی دیگر، تقلید کاملی از سبک معماری ایرانی در عصر ساسانی‏ست.این مسجد را «مسجد چهل‏ستون»نیز خوانده‏اند.اما این تعبیر به این مفهوم نیست که‏ تعداد ستون‏های این مسجد،دقیقا چهل عدد باشد،بلکه تنها کنایه‏از کثرت‏ ستون‏هاست.

3-2-شباهت‏های معماری بین مسجد تاری‏خانه(واقع در شهر دامغان)با آتشگاه ساسانی تپه‏حصار(واقع در جنوب شرقی دامغان)و از جمله،ستون‏های آجری گچ‏بری شده‏ی موجود در هر دوبنا،محققان را به‏ این باور داشته است که این بنا،یادگاری از معماری خالص یک کاخ‏ ساسانی‏ست.

حتا اگر سابقه‏ی پیش‏از اسلام این بنا را در نظر نگیریم،بازهم تاریخ‏ بنای اولیه‏ی این مسجد که بعدها مکرر نوسازی و مرمت شده است،به‏ اواسط قرن دوم هجری برمی‏گردد.آرتور پوپ آمریکایی Arthur Oope ساخت این مسجد را به سال‏های بین 130 تا 170 هجری قمری(786- 750 م)منتسب مب‏کند،6و شادروان استاد محمد کریم پیرنیا،بادقت‏ بیش‏تر،تاریخ بنای آن را دقیقا سال 160 هجری قید کرده است.7 بدین‏گونه تعلق این بنای مهم اسلامی به اواسط قرن دوم هجری مورد اتفاق است.

3-3-اهمیت تاریخی مجموعه‏ی بنای مسجد تاری‏خانه‏ی دامغان، هم‏چنین ازجهت وجود مناره‏ی قدیمی آن است که دکتر کریستی ویلسن، آن‏را نخستین مناره‏ی مدوّر ایران‏شناسایی کرده است.8از دیرباز مناره‏ها را در مناطق کویری،به‏منظور راهنمایی مسافران و کاروان‏ها در جاده‏ی‏ ابریشم و ادویه می‏ساخته‏اند و بعد در عصر اسلامی از این مناره‏ها،علاوه‏ بر استفاده به‏عنوان برج راهنما برای گفتن اذان(مأذنه)هم استفاده‏ کرده‏اند.مناره‏ی مسجد تاری‏خانه می‏تواند به‏تأثیر از مناره‏ی مساجد عراق‏ باشد؛هرچند ممکن است آن‏ها خود متاثر از معماری دوره‏ی ساسانی‏ باشند.از سوی دیگر قابل‏توجه است که به خط کوفی،کتیبه‏یی بر این‏ مناره به این شرح نوشته بوده است:«بسم اللّه.امر ببناء هذه المنارة الحاجب الجلیل،:ابو حرب بختیار بن محمد،فی ولایة الامیر السید الاجل‏ فلک المعالی».9

شک نیست که منظور ازفلک المعالی،منوچهر بن قابوس امیر زیاری‏ (وفات 424)است که منوچهری دامغانی(وفات 432)به توسط ابو حرب‏ بختیار بن محمد بن ابراهیم فرمانروای قومس(حاکم دامغان)به او معرفی‏ شد و به‏همین مناسبت است که منوچهری در مدح ابو حرب بختیار سه‏ قصیده و یک مسمط گفته است و او را به آزادگی،بخشندگی،چرب‏زبانی‏ ستوده است،چراکه ابو حرب بختیار،حاکمی مقتدر بوده و نام او در سه‏ کتیبه یعنی پیر علمدار در دامغان،مناره‏ی مسجد تاری‏خانه در دامغان،و مناره‏ی مسجد جامع در سمنان ضبط شده است.به‏همین مناسبت‏ نمونه‏یی از اشعار منوچهری در این‏جا ضبط می‏شود:

الف-در مسمط بهاریه می‏گوید:

ایزد تیغش سبب ضرب کرد قطب همه شرق و همه غرب کرد تا پدرش کنیت بو حرب کرد بس که شد و با ملکان حرب کرد از لطف و آن سخن چرب کرد خلق جهان طالب‏اش و دوستدار

ب-در قصیده‏یی در مدح ابو حرب بختیار می‏گوید:

بو حرب بختیار محمد که رأی او ارکان‏های ملک مؤکد کند همی‏10

ج-در مسمطی گوید:

ساقی بیا که امشب،ساقی به کار باشد زان می بده که رنگش چون جلنار باشد می ده چهار ساغر تا خوشگوار باشد زیرا که طبع عالم هم بر چهار باشد باده خوریم روشن تا روزگار باشد خاصه که باده‏خوردن با بختیار باشد

3-4-مناره‏ی مسجد تاری‏خانه در طول زمان دچار سایندگی و هوازدگی‏ شده و از باد و باران گزند دیده و از ارتفاع آن کاسته شده است.در حال حاضر، این منار،26 متر ارتفاع و 86 پله دارد.محیط قاعده‏ی منار 13 متر است؛ولی‏ هرچه مناره بالاتر می‏رود،به‏تدریج از محیط آن کاسته می‏شود.منار از پایین‏ به بالا با چهار طرح مختلف با نقوش هندسی،نماسازی شده است.هریک‏ از این اشکال و نقوش هندسی دارای هفت‏بند می‏باشد و عدد هفت در این‏جا نماد عرفانی اکمال و اتمام مراتب عرفانی‏ست.

4-شیوه‏ی معماری

مسجد تاری‏خانه ازجهت معماری یکی از پدیده‏های بزرگ‏ هنری‏ست.این مسجد،در وسط دارای یک صحن مرکزی باز به ابعاد 72/26 متر طول و 72/25 متر عرض است که دورتادور آن‏را رواق‏های‏ سرپوشیده فراگرفته است؛بدین‏ترتیب که 22 دهنه طاق به صحن مرکزی‏ مسجد باز می‏شود.طاق‏ها از آجر،ستون‏های مدوّر و هرطاق به قطر یک‏ و نیم متر تا یک متر و شصت سانتی‏متر می‏شد.ورودی این مسجد،از جناح طولی شرقی است.قسمت عمده‏ی پوشش مسجد،مانند مسجد جامع فهرج،از طاق‏های گهواره‏یی(و نه مسطح)که به طاق‏های دوره‏ی‏ ساسانی شبیه‏اند،صورت گرفته و این طاق‏ها بر روی قوس‏ها و ستون‏هایی محکم زده شده‏اند.اگرچه امروزه طاق‏هایی گهواره‏یی مسجد تاری‏خانه فروریخته‏اند؛اما ملاحظات شکلی نشان‏دهنده‏ی همانند این‏ طاق‏ها با طاق‏های گهواره‏یی مسجد جامع فهرج است که برای نگه‏داری‏ طاق‏ها،ستون‏های قطوری از آجر برپا شده که توسط قوس‏هایی به‏ هم‏دیگر و به دیوار وصل شده‏اند.بر روی این قوس‏ها نیز دیواری به بلندی‏ یک متر ساخته و سپس طاق گهواره‏یی را بر آن سوار کرده‏اند.قوس‏های‏ بالای ستون‏ها با فرم بیضی از آجر ساخته و در بالا به آرامی شکسته‏ شده‏اند.جهت حفظ تعادل و اتصال محکم قوس‏ها به ستون و دیوار-مثل‏ مسجد قدیمی سبزوار به گزارش ابو الحسن بیهقی در تاریخ بیهق-از قطعه‏های چوب و تنه‏ی درختان استفاده شده است.دهانه‏ی طاقی که در مرکز سمت قبله قرار می‏گرفته،از دهانه‏های دیگر عریض‏تر و بلندتر ساخته شده است.بدین‏ترتیب،شبستان ستون‏دار و طاق‏های بلند مسجد تاری‏خانه که به سبک«چهارایوانی»(یا چهارصفه)ساخته شده،تقلید کاملی از معماری دوره‏ی ساسانی‏ست و به‏علاوه،به مرکز بنا-جایی که‏ محراب و منبر در آن قرار دارد-اهمیت خاصی داده شده است.

گفتنی‏ست که«ایوان»در معماری ایران از عصر هخامنشی تا ساسانی‏ استمرار داشته و معبد چغازنبیل،کاخ باغ کوروش در پاسارگاد،تالار آپادانا در تخت جمشید و سرانجام تپه حصار دامغان همه نشان‏دهنده‏ی نقش‏ کلیدی«ایوان»در معماری بناهای همگانی‏ست.محراب مساجد هم که‏ همان مهرابه‏های معابد مهری‏ست،بازمانده‏ی غارهای زیرزمینی‏ست که مهریان معتقد بودند مهر در غاری متولد شده و در غاری دیگر گاوی را کشته است.

حیاط وسیع مسجد تاری‏خانه‏ی دامغان که به شکل مربع(چهار ضلع‏ تقریبا متساوی‏ست،در سمت قبله(غرب)یک شبستان ستون‏دار و در سه‏ قسمت دیگر یک ردیف رواق دارد.شبستان ستوندار سمت قبله هم هفت‏ ناو طولی درجهت قبله و سه ناو عرضی در طرف مقابل دارد.به‏نحوی که‏ ناو وسطی که شامل محراب و منبر است،عریض‏تر از ناوهای دوطرف‏ است.از این رهگذر،درست مانند مسجد جامع فهرج که پس‏از قرن‏ها از زیر خاک بیرون آمد،از جهت تطوّر معماری مساجد،نشان‏دهنده‏ی مراحل‏ اولیه شکل‏گیری ایوان در مساجد شبستانی ایران است.

کف صحن مرکزی مسجد تاری‏خانه،به‏جای آن‏که مطابق معمول‏ ساختمان‏های بزرگ دیگر،سنگ‏فرش یا آجرفرش شده باشد،تنها با ماده‏یی آهکی یا گچی پوشش‏یافته و کوبیده شده است.صحن مرکزی‏ مسجد،از صفّه‏های طاقدار جانبی در یک‏سطح قرار گرفته و با هیچ پله یا بریدگی عمودی متمایز نشده است.

قوس‏ها و ستون‏های مسجد تاری‏خانه ار آجر ساخته شده است.ولی در دیگر قسمت‏های مسجد از خشت استفاده شده است.برای استحکام و اتصال،درقوس‏های مسجد چوب به‏کار رفته است.سطوح مختلف گچ‏اندود شده‏اند.دکتر اریک اشمیدت(کاشف تپه حصار دامغان)که در صحن و رواق‏ مسجد تاری‏خانه حفاری کرده است،می‏نویسد که در این مسجد وجود آجرهای بزرگی که شبیه آجرهای تپه حصار(قصر متعلق به پادشاهانی‏ ساسانی)ست،بر این دلالت دارد که این مسجد به شیوه‏ی ساخت و ساز عصر ساسانی بنا شده است و حتا احتمال دارد که مسجد تاری‏خانه بر روی یا در کنار یکی از ساختمان‏های عصر ساسانی بنا شده باشد.11

محیط ستون‏های مدور این مسجد،بین 90/4 تا 97/4 متر است و ارتفاع هرستون از زمین تا محلی که طاق بر آن متکی‏ست،84/2 متر و تا پشت‏بام،6 متر تمام است.هر ضلع از آجرهای مربع این ستون‏ها 34 سانتی‏متر و ضخامت آن‏ها 5/7 سانتی‏متر است که متناوبا-به پیروی از آجرچینی دوره‏ی اشکانی و ساسانی-افقی و عمودی روی هم چیده‏ شده‏اند.هم‏چنین این ستون‏ها کاملا قابل‏مقایسه با ستون‏هایی‏ست که در «تپه حصار»دامغان،از یک کاخ ساسانی خاکبرداری شده است.البته‏ ستون‏های مسجد تاری‏خانه با ستون‏های تپه حصارخالی از تفاوت نیست. زیرا قسمت پایین بعضی از این ستون‏ها(در کاخ ساسانیان در تپه حصار) که از آجرهای مربع(8x35x35سانتی‏متر)ساخته شده،نشان می‏دهد که آجرها متناوبا عمودی و افقی به قطر 75/1 متر روی هم قرار گرفته و با دقت در ابعاد،اندک تفاوتی بین این دو بنا به ظر می‏رسد؛از جمله این‏که‏ قطر ستون‏های تاری‏خانه که با اندود نازکی پوشیده شده،6/1 متر است که‏ اگر تزیین نسبتا ضخیم ستون‏های کاخ دامغان را درنظر بگیریم،هردو مساوی خواهد بود.

در بخش غربی مسجد،بناهای وابسته‏یی وجود داشته که امروزه‏ کاملا از بین رفته‏اند.از جمله‏ی این بقایا می‏توان به یک مناره با مقطع‏ چهارگوش اشاره کرد که در کنار مسجد بوده و 5/6 متر مربع وسعت داشته‏ است.در کنار این مناره،در دوره‏ی سلجوقی،مناره‏ی دایره‏شکل دیگری‏ ساخته شد که دارای کتیبه‏ای به‏خط کوفی به این عبارت است:«بسم اللّه‏ الرحمن الرحیم.هذه القبة قصر الحاجب السعید ابی جعفر محمد بن‏ ابراهیم-قدس اللّه روحه-امر ببنائه ابنه بختیار.عمل علی بن احمد البناء.سنة سبعة عشرو اربعمائه».یعنی این منار را بختیار بن محمد برای‏ پدر خود ابو جعفر محمد بن ابراهیم ساخته و اکنون این منار معروف به پیر علمدار است که به احتمال قوی،باید شخصیتی از پیران خاکسار(درویشان‏ عجم)در عصر صفویه باشد که سمت«علمداری»در سلسله‏ی درویشان‏ عجم در عصر صفوی داشته و پس از مرگ در زیر این منار مدفون شده‏ است.معمار اصلی این منار علی بن احمد و تاریخ بنای این مناره 417 هجری قمری در عهد سلطان مسعود غزنوی بوده و منار مسجد تاری‏خانه‏ در 420 هجری قمری ساخته شده است.مناره‏ی مذکور در بالا به 8/6 متر می‏رسد.آجرهایی که در تزیینات خارجی مصرف شده،به طول و عرض‏ 17 تا 5/17 سانتی‏متر و ضخامت 5/3 سانتی‏متر است.12

مناره‏های بسیاری در گذشته مجود داشته که جنبان بوده‏اند،ازجمله‏ منارجنبان اصفهان،منار نیشابور(به‏قول مولف تاریخ نیشابور)،منار (پامنار)سبزوار و مناربصره،که ابن بطوطه در سفرنامه‏اش از آن چنین یاد می‏کند:«مسجد علی(ع)هفت مناره دارد که یکی از آن‏ها متحرک‏ است.مردم معتقدند که مناره‏ی مزبور فقط هنگام نام علی(ع)به‏ حرکت درمی‏آید...»13

5-سخن آخر

تاری‏خانه‏ی دامغان-هم‏چون خدای‏خانه‏ی شیراز-معبدی‏ست که‏ در عصر اسلامی به‏عنوان مسجد از آن استفاده شده است.اما ازنظر معماری یکی از بناهای همگانی ایرانی پیش از اسلام است و توجه به‏ حفاظت آن برهمه‏ی نگاهبانان تمدّن و فرهنگ بشری واجب است.

پی‏نوشت‏ها

(1)-بامداد،مهدی،رجال ایران،ج 1،تهران،زوار،1363،صص 468-472؛بیگدلی، علی،ترورهای سیاسی درتاریخ معاصر،تهران،سروش،1377،صص 645-652.

(2)-فیروز،مریم،خاطرات،تهران،اطلاعات،1373،ص 34.

(3)-اخوان ثالث،مهدی،ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم،تهران،مروارید،1369، ص 296.

(4)-کشاورز:علی اصغر،صد دروازه،تهران،چاپ بهمن 1352،ص 20.

(5)-مشکوتی،نصر اللّه،فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستان ایران،تهران، وزارت فرهنگ و هنر،1349.

(6)-پوپ،آرتور،هنر ایران در گذشته و آینده،ترجمه‏ی عیسی صدیق،تهران،مدرسه‏ی‏ عالی خدمات جهانگردی،1355 و همو،معماری ایران،ترجمه‏ی کرامت اللّه افسر،تهران، فرهنگسرا(یساولی)،1365.

(7)-پیرنیا،محمد کریم،فرهنگ معماری ایران از دوران باستان تا عصر قاجار، تهران،دانشکده‏ی هنرهای زیبا.

(8)-ویلسن،کریستی،تاریخ صنایع ایران،ترجمه‏ی عبد اللّه فریار،تهران،وزارت معارف، 1317(تجدید چاپ،فرهنگسرا،1366،ص 158).

(9)-افشارفر،ناصر،مسجد تاری‏خانه‏ی دامغان،مسجد،شماره‏ی 33(مرداد و شهریور 1376)،ص 91.

(10)-منوچهری دامغانی،دیوان،چاپ محمد دبیر سیاقی،تهران،1370،صص 19،108، 136،161.

(11)- Eschmidt,Erich,"Excavations at Tepe Hissar" Ohiladelphia, The University of Oennsilvania Oress,1937,OO.12-16

(12)-هوگ،جان،هنر معماری در سرزمین‏های اسلامی،ترجمه‏ی پرویز ورجاند، تهران،انتشارات دانشگاه،1348.

(13)-ابن بطوطه،سفرنامه،ترجمه‏ی محمد علی موحد، ج 1 ص 230.